



آیا اخلاق بر حقوق تقدم دارد/ حقوق اغلب انعکاسی از اصول اخلاقی است

مکتبهای فکری گوناگونی درباره این پرسش که نسبت حقوق و اخلاق چیست و حقوق چگونه با اخلاق ارتباط پیدا می‌کند وجود دارد.

خبرگزاری مهر- مکتبهای فکری گوناگونی درباره این پرسش که نسبت حقوق و اخلاق چیست و حقوق چگونه با اخلاق ارتباط پیدا می‌کند وجود دارد.

این نسبت در حقیقت، مسأله و موضوع اساسی و محوری برای درک منازعات و مباحث رایج کنونی در فلسفه حقوق است. این موضوع و نسبت نه تنها برای درک فلسفه حقوق در دوران کنونی بلکه برای درک فلسفه حقوق در گذشته نیز حائز اهمیت است.

در طول تاریخ در خصوص ارتباط میان اخلاق و حقوق سه مرحله قابل تصور است. در مرحله اول بین اخلاق و حقوق هیچ تفاوتی وجود نداشت. هم اخلاق وجود داشت و هم حقوق و مردم به هر دو عمل می‌کردند و قبل از آن، در جوامع قدیم، عادات و رسوم اجتماعی بود که مردم را اداره می‌کرد، یعنی پیش از آنکه دولتها تشکیل شوند.

مرحله دوم به قرن هجدهم و شکل‌گیری و نضج‌گیری نهضت‌های آزادی‌خواهی اشاره دارد و به رابطه اخلاق و حقوق با دیدی تجدیدنظرگرایانه نگریسته شد. بر این اساس آزادیخواهان، خواهان محدود شدن قلمروی سیطره دولتها در امور داخلی افراد شدند.

پیش‌تاز برجسته این تفکر ایمانوئل کانت بود که میان اخلاق و حقوق تفاوت عمده قائل شد و گفت: اخلاق به درون انسان توجه دارد و حقوق به اعمال بیرونی می‌پردازد.

مرحله سوم به دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم باز می‌گردد. جنگ‌های اول و دوم جهانی این نکته را ثابت کردند که هر چه در راه دموکراسی و آزادیخواهی و حکومت مردم تلاش شود، باز هم نمی‌توان ظلم را از بین برد.

زیرا دموکراسی هم این عیب را دارد که به حکومت اکثریت بر اقلیت محدود می‌شود. بنابراین باید اصولی وجود داشته باشند که برای دموکراسی هم محدودیت ایجاد کند. قواعد حقوق بشر در نتیجه همین نهضت شکل گرفت.

هنگامی که سعی شد ارتباط حقوق و اخلاق با هم حفظ شود، لزوم تدوین حقوق بشر نیز شکل گرفت و رعایت آن اجباری شد.

دیدگاه غالب در حقوق تحلیلی کنونی قائل به این است که حقوق از علم اخلاق باید جدا باشد. در حالی که اخلاق و حقوق همپوشانی‌های دارند و حقوق اغلب انعکاسی از اصول اخلاقی است. معتقدان به این مکتب دو نظام و سیستم هنجاری متمایز را به وجود می‌آورند.

مباحثات و مناظرات در اخلاق بر روی این موضوع متمرکز می‌شود که بهترین راه برای زندگی انسان چیست؛ کدام ارزشها بالاترین ارزشها هستند و چه شیوه‌هایی از زندگی غیرقابل قبول و غیرمشموع هستند.

فلسفه اخلاق مدرن نیز به طور معمول بر اساس تغییر در پرسش‌هایی اساسی در مورد اینکه چه چیزی باعث رفتار خوب می‌شود و چه عاملی باعث رفتار بد می‌شود، شکل گرفته است.

به عبارت دیگر در فلسفه اخلاق مدرن تأکید بر مسائل و پرسش‌های اخلاقی متفاوت است. بر این اساس پرسش و متعاقباً پاسخ به کیفیت ذاتی، انگیزه‌های اصلی و نتایج اعمال در فلسفه اخلاق مدرن متفاوت می‌شود.